

## بسمه تعالی

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرِ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ<sup>۱</sup>

در نوشتارهای قبل، اصل اخوت، فضیلت آشتی دادن مومنین و چشم پوشی از خطای دیگران را بررسی کردیم. از این نوبت در چند مقاله، به بررسی آسیب‌های روابط با دیگران از منظر قرآن کریم خواهیم پرداخت.

خداوند در سوره حجرات پس از خطاب کردن مومنین به عنوان "برادر" و دستور اصلاح روابط با یکدیگر، ۶ عاملی را که می‌تواند این رابطه‌ی براساس مساوات و همانندی و این پیوستگی در ارتباط بین مومنان را از بین ببرد، معرفی می‌نماید.

اولین آسیب در ارتباط با دیگران، تمسخر و مسخره کردن دیگران است و خداوند در این آیه مومنان را از مسخره کردن یکدیگر نهی می‌فرماید.

همچنین خداوند این عیب اخلاقی را ریشه‌یابی می‌نماید تا به این ترتیب راه درمان را نیز ارائه دهد. می‌فرماید:

"يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرِ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نَسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ؛<sup>۲</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند؛ و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آن‌ها بهتر از اینان باشند"<sup>۳</sup>

در این آیه مردان و زنان جداگانه مورد خطاب قرار گرفته‌اند درحالی‌که طبق قواعد زبان عربی، گفتن یکی کافی بود اما تکرار خطاب، برای تاکید مطلب و نشان دهنده اهمیت موضوع است.

خداوند با مطرح کردن احتمال برتری شخص مسخره شونده، به نکته‌ای بسیار مهم در روابط اشاره می‌فرماید: ملاک برتری افراد ظاهر آن‌ها نیست و برای تعیین جایگاه افراد، نیازمند توجه به نکاتی غیر از ظاهر آن‌ها هستیم. در آیه دیگر همین سوره مشاهده می‌کنیم که خداوند صراحتاً اعلام می‌فرماید تنها ملاک فضیلت افراد بر یکدیگر تقوا است: "إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ همانا برترین شما در نزد پروردگار، باتقواترین شماست"<sup>۴</sup>

در ادبیات عرب دو واژه با معنای مسخره کردن وجود دارد. استهزا و تمسخر. حال می‌خواهیم به ریشه این دو لغت توجه بیشتری داشته باشیم.

استهزا به معنی سریعاً کسی را خورد کردن و له کردن و و آبروی او را از بین بردن می‌باشد.<sup>۵</sup>

اما سخریه همان معنای استهزا را به همراه یک برتری جویی بیان می‌کند. یعنی مسخره می‌کنیم برای برتری جستن بر دیگران.

پس ریشه مسخره این است: من دیگران را مسخره می‌کنم تا خودم را بالاتر از آنان نشان دهم.

در واقع طبق بیان آیه شریفه، دلیل اصلی مسخره کردن دیگران این است که ما خود را از آن‌ها بهتر می‌پنداریم و این اشتباهی است بسیار بزرگ. ما با نگاه کردن به ظاهر افراد به غلط خود را از آن‌ها بهتر تصور کرده و به خود اجازه مسخره کردن آن‌ها را می‌دهیم در حالیکه تنها کسی که از حال دیگران باخبر است، فقط خداوند متعال می‌باشد. در واقع اگر این خودبزرگ‌بینی و تکبر در وجود ما آدمیان راه نداشت، بسیاری از گناهان از جمله مسخره کردن از صحنه زندگی ما حذف می‌گردید. تکبر، که به واقع یکی از مهمترین عوامل سقوط انسان و دور شدن او از مسیر بندگی است، باعث می‌گردد چشم خود را بر خوبی دیگران بسته و خود را برتر از آن‌ها ببینیم و به خود اجازه دهیم آن‌ها را مسخره نماییم. (ان شاء الله در یک فرصت جداگانه به مسئله تکبر مفصلاً خواهیم پرداخت).

در واقع مقام مومن در خلقت و آفرینش قابل تصور نیست. منزلت مومن از دیدگاه اسلام، منزلتی است بالاتر از کعبه یعنی شریف‌ترین مکان روی زمین که روزی ۵ بار به سمت آن سر تعظیم فرود آورده و خدا را ستایش می‌کنیم.

ابن ابی الحدید در شرح این جمله از نهج البلاغه (اذا استولى الصلاح على الزمان و اهله...) روایتی را از رسول خدا (ص) چنین نقل می‌کند:

"جابر روایت کرده است که رسول خدا (ص) به کعبه نظر افکند و فرمود: آفرین بر تو، خانه‌ای بزرگ هستی و احترام تو چقدر زیاد است. سوگند به خدا، احترام مومن نزد خدا از تو بیشتر است، زیرا حرمت تو فقط از یک جهت است (که خونریزی در تو حرام است)، ولی مومن از سه جهت احترام دارد:

۱- خون وی محترم است.

۲- مال او حرمت دارد.

۳- بدگمانی نسبت به او حرام است."<sup>۷</sup>

ما حق نداریم به مومنان به دیده حقارت و پستی بنگریم، چرا که ما نمی‌دانیم اولیای خدا چه کسانی هستند. در نظر داشته باشید هیچ کس از باطن افراد جز پروردگار، آگاه نیست، چنانکه رسول گرامی اسلام (ص) در ضمن یکی از سخنان خود فرمودند: "خدای عزوجل سه چیز را در سه چیز مخفی کرده است: رضایت خود را در عبادات، غضب خود را در معاصی و ولی خود را در میان خلق خویش. بنابراین هیچ عباداتی را کوچک ندانید، شاید رضایت خدا در آن باشد و هیچ معصیتی را مرتکب نشوید، شاید غضب خداوند در آن باشد و هیچ یک از شما احدی از بندگان خدا را کوچک نشمارد، زیرا نمی‌دانید کدامیک از آن‌ها ولی خدا است."

جالب اینجاست که بدانید حساسیت خداوند برای احترام به مومنین بسیار بیشتر از حد تصور است تا جائیکه جبرئیل بر پیامبر نازل گردیده و خطاب فرمود: "یا محمد، إن ربک يقول من اهان عبدی المومن فقد استقبلنی بالمحاربه : هر کس به بنده مومن من اهانت کند، با جنگ به استقبال من آمده است."<sup>۸</sup>

**کلام آخر:**

برای جمع بندی می توان سه عامل اصلی تمخسر دیگران را اینگونه شناخت:

۱- **جهل** یعنی ندانستن ضعفها و مشکلات خود و عدم آگاهی از برتریها و فضایل دیگران که منجر به تمسخر می گردد.<sup>۹</sup>

۲- **تکبر** یعنی حس برتری جویی که فرد خود را برتر از دیگران می داند.

۳- **حسد** که زاییده تکبر و خودخواهی است و منجر می شود همه چیز را برای خود بخواهیم و به کمک تمسخر سعی در کوچک نشان دادن تواناییها و برتریهای دیگران کنیم.

پس راه درمان این صفت ناپسند اخلاقی، این است که ضعفهای خود را شناخته و به نقاط قوت دیگران اهمیت دهیم و بدانیم که هر فضل و توفیقی از جانب خداست و او رحمان و رحیم است و می تواند در صورت شایستگی، همین نعمت را به ما هم عنایت فرماید.

و ما توفیقی إلا بالله علیه توکلت و إليه أنیب

و توفیق من، جز به خدا نیست! بر او توکل کردم و به سوی او باز می گردم<sup>۱۰</sup>

---

۱ سوره حجرات، آیه ۱۱

۲ همان

۳ ترجمه آیت الله مکارم شیرازی

۴ سوره حجرات، آیه ۱۳

۵ استهزاء از ریشه هزه و هزو - هزه (سرعت) یعنی به سرعت توهین کردن؛ هزو: شکستن و خرد کردن

۶ نهج البلاغه، حکمت ۱۱۰

۷ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید (ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی)، جلد ۷، صفحه ۱۷

۸ محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت عليهم السلام قم، ۱۴۰۸ ه.ق، ج ۲، ص ۹۴

۹ سوره بقره، آیه ۶۷؛ در داستان گاو بنی اسرائیل، هنگامی که بنی اسرائیل به موسی (ع) گفتند آیا ما را مسخره می کنی؟ حضرت فرمودند:

پناه بر خدا که از جاهلین باشم

۱۰ سوره هود، آیه ۸۸؛ ترجمه آیت الله مکارم شیرازی